موضوعیت «غیم» در روایت اسحاق بن عمار و نفی اطلاق «بلد» در کلام آیت‌الله سیستانی

به خلاف آن کتاب منتسب به دفتر حاج آقای سیستانی؛ اسألة حول رویة الهلال مع اجوبتها. ایشان گفتند این روایت اسحاق بن عمار اصلاً اطلاق ندارد.

ایشان از کجا اطلاق را خدشه کردند؟ که فرمایش ایشان با سائرین تفاوت داشت. گفتند ما در خود روایت قرینه داخلیه داریم که نسبت به هر بلدی اطلاق ندارد. ایشان کلمه «غیم» را قرینه داخلیه روایت میدانند. گفتند خود اسحاق بن عمار میگوید: «عن هلال رمضان غیم علیانا». یعنی افق، ابر است. «غیم» ابرهای رقیق است. لذا نمیتوانیم به‌خوبی هلال را تشخیص دهیم. حال که به این صورت است چه کار کنیم؟

خُب وقتی در افق شهر شما ابر هست، به‌خاطر ابر نتوانستید ببینید، معنایش این میشود که اگر بلد دیگری دید؛ یعنی بلد دیگری که مانع غیم شما را ندارد. فقط منظور این است. پس در سائر شرائط، باید برابر باشید. نه هر بلدی؛ مثلاً شما ده ساعت بعد، در غرب شما ببینند و حال اینکه اصلاً شما هلال ندانستید. پس کلمه «غیم» قرینه داخلیه حدیث است برای اینکه اطلاق نداشته باشد.

گفتم بر همین کتاب «اسألة» نقدی آمده است. از علماء نجف هستند. مثلاً گفته‌اند که این مورد است. مورد «غیم» است، مورد که مخصص نیست. جلسه قبل عرض کردم: به صرف اینکه بگوییم مورد است و مورد مخصص نیست، شاید کافی نباشد. چرا؟ به‌خاطر اینکه این مورد در سؤال سائل آمده است. هیچ مانعی ندارد که جواب کلی باشد و سؤال مورد باشد. اما گاهی است که جواب ناظر به حل اشکال سؤال است. لذا دیگر در اینجا نمیتوانیم بگوییم که مخصص نیست. چرا؟ چون دارد سؤال را حل میکند. وقتی جواب ناظر به سؤال است، اگر در سؤال قیدی است که او میخواهد مسأله را با آن قید حل کند، نمیتوانیم بگوییم مورد. دیگر مورد نیست. حل کردن و نظارت جواب بر سؤال، دیگر مورد نیست. این اندازه‌ای بود که در جلسه قبل صحبت شد.

بازبینی #1
ایجاد شده 4 مه 2026 12:59:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مه 2026 13:00:21 توسط ... .